

# از یک سند تا یک کتاب

گزارشی از کتاب ایضاح المشکلات عبدالعلی خان  
سدید السلطنه نوری مستوفی

۵-۱۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

**چکیده:** دامنه فعالیت علمی مسلمانان در باره اهل کتاب به زمان آغازین ظهور اسلام بازمی گردد. در قرآن به فراوانی به آنان اشاره شده، و بعدها نیز طی قرون، مکرر به صورت تطبیقی یا غیر تطبیقی (با اسلام) به اهل کتاب، تورات و انجیل و عقاید مسیحیت و یهودیت پرداخته شده است. این مطالعات در دوره صفوی و قاجاری توسعه یافته و بویژه در دوره اخیر قاجاری، بیشتر محل توجه بوده است. کتاب ایضاح المشکلات، کاری تطبیقی بین تورات و انجیل و اسلام انجام شده است. نویسنده، با شکفتن تلاش کرده است تا اخبار تاریخی مربوط به اسلام را در آن دو کتاب بیابد. این تصور بر پایه برخی از باورهای قدیمی در این باره بوده که آن دو کتاب، حاوی پیشگویی های در باره آینده است. در این مقاله، بیشتر به معرفی این کتاب پرداخته شده است.

**کلیدواژه:** ایضاح المشکلات، مطالعات تطبیقی، تورات، انجیل

**From a Document to a Book**  
**A Report from the Book Iḍāḥ al-Mushkilā**  
**by Abdul Ali Khān Sadid al-Salṭānah Nūrī**  
**Mustowfi**  
Rasul Jafarian

**Abstract:** The range of scientific activity of Muslims regarding the People of the Book dates back to the beginning of the rise of Islam. They are often mentioned in the Qur'an, and later on, over the centuries, the people of the book, the Torah, the Gospel, and the beliefs of Christianity and Judaism have been repeatedly addressed in a comparative or non-comparative studies. These studies were developed in the Safavid and Qajar periods, and especially in the recent Qajar period, they were the focus of attention. The book Idah al-Mashiklat is a comparative work between the Torah and the Gospel and Islam. The author, surprisingly, has tried to find historical information related to Islam in those two books. This idea is based on some old beliefs that those two books contain prophecies about the future. In this article, this book is introduced more.

**Keywords:** Iḍāḥ al-Mushkilāt, Comparative Studies, Torah, Gospel

در بین اسنادی که درباره مرحوم مدرس در کتابخانه مجلس بوده و با عنوان «مدرس و مجلس، نامه‌ها و اسناد» منتشر شده، (تهران، ۱۳۷۳) نامه‌ای از شخصی به نام عبدالعلی سدیدالسلطنه مستوفی نوری هست که مطلبی را نوشته و در حاشیه آن، مدرس هم سفارش او را به رئیس مجلس کرده است. می‌دانیم که لقب سدیدالسلطنه مربوط به محمدعلی سدیدالسلطنه معروف است، کسی که آثار فراوانی در حوزه مسائل خلیج فارس دارد و در این زمینه شناخته شده است. طبعاً عبدالعلی مورد نظر ما ارتباطی با او ندارد و شخص دیگری است. عبدالعلی خان از خاندان مستوفی‌های نوری است و پدرش میرزا محمد مستوفی نوری از رجال دوره قاجاری است که نامش را در ارتباط با شغلش در مآخذ قاجاری ملاحظه می‌کنیم.

اما نامه‌ای که عبدالعلی خان نوشته و متأسفانه از نظر ویرایش با گذاشتن یک نقطه بعد از نام مدرس «تصور شده خطاب به مدرس است، مخاطبش به احتمال «جناب مستطاب ملاذ الانام آقای حاجی میرزا عبدالوهاب است». عبدالعلی سدیدالسلطنه در این نامه می‌گوید:

حضرت حجت الاسلام آقای مدرس - دامت برکاته - بنا شد که رئیس مجلس را ملاقات فرمایند و کاری در «کتابخانه مجلس» برای بنده معین کنند. مقصود این است که هر طور جناب مستطاب ملاذ الانام آقای حاجی میرزا عبدالوهاب - مدظله العالی - صلاح بدانند، در این باب با آقای مدرس مساعدت فرمایند. شاید به مرحمت ایشان این کار زودتر انجام گیرد. میرزا عبدالعلی خان سدیدالسلطنه. (مدرس و مجلس، ص ۱۲۱، ش ۵۵)

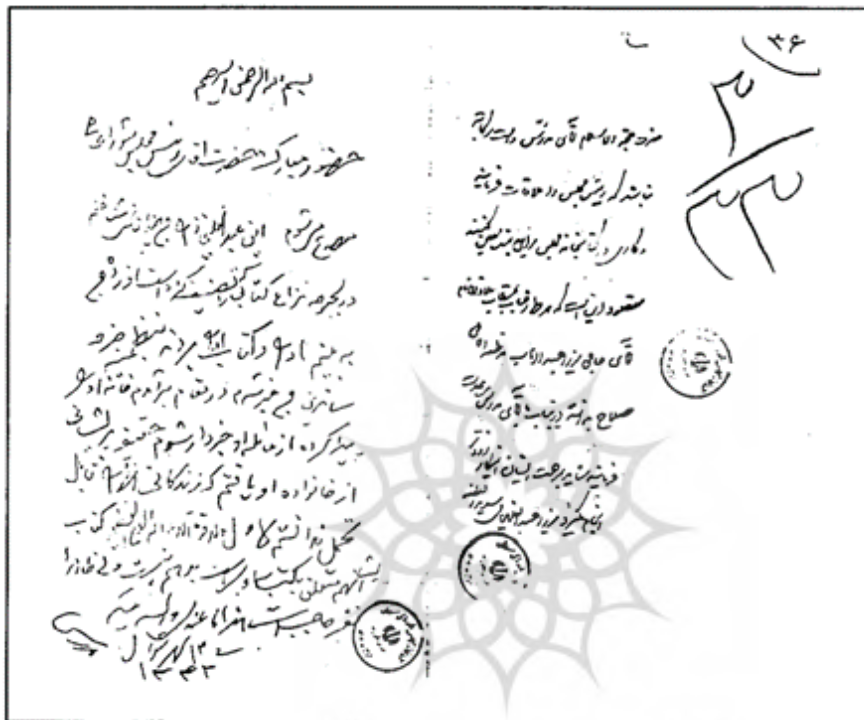
درباره سند، این نکته شگفت است که مصحح کتاب سند مزبور را با تیترا «سؤال فقهی از مدرس و پاسخ او» آورده که اشتباه آن روشن و محتوای آن درخواست کمک و شغل است. وی در این باره با مرحوم مدرس صحبت کرده و در ضمن عبدالعلی نامه‌ای هم ظاهراً به میرزا عبدالوهاب از علما نوشته تا سفارش او را به مدرس بکند.

اما مرحوم سیدحسن مدرس برای اینکه کاری برای این شخص انجام دهد، درباره زندگی او تحقیق کرده و متوجه شده است این مرد که کتابی هم نوشته و نسخه‌ای را برای مدرس آورده بوده، (بنگرید به ادامه بحث) مشکلات مالی و زندگی سختی دارد. بنابراین نامه‌ای برای رئیس مجلس نوشته و از او خواسته است تا کاری برای وی انجام دهد.

متن نامه مدرس این است:

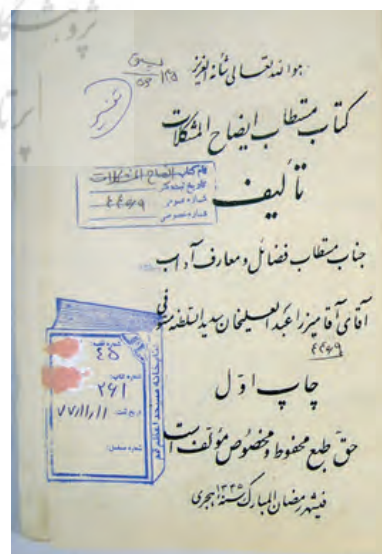
حضور مبارک حضرت آقای رئیس مجلس شورای ملی مصدع می‌شوم. این عبدالعلی خان را من چندان نمی‌شناختم. در بحبوحه نزاع، کتابی را که تصنیف کرده است آورده، من ببینم، او را و کتاب او را. بردند به نظمیه جزو سایرین. من خیر شدم. در مقام برآمدم، خانه او را پیدا کرده، از عائله او خبردار شدم. حقیقت پریشانی از خانواده او یافتم که زندگانی

آنها را قابل تحمل ندانستم. لاجول و لافوة الابالله العلى العظيم. كتاب ايشان هم متعلق به كتب سماوى است. بد هم نيست، ولى ظاهراً فقر حاجب است. هذا ما عندى والسلام عليكم. فى ۱۴ شهر شوال ۱۳۴۳. مدرس.



نامه مدرس نیاز به توضیح ندارد و نکات جذاب خود را دارد. او به درب مجلس آمده بوده تا مدرس را ملاقات کند که در آن وقت شلوغی خاصی بوده است. پس عبدالعلی را همراه عده‌ای دیگر دستگیر می‌کنند و به نظمیۀ می‌برند. مدرس پیگیری می‌کند و او را رها می‌کنند. ضمن این جریان مدرس متوجه وضعیت نامناسب زندگی او می‌شود و نامه یادشده را به رئیس مجلس می‌نویسد.

بعد از جستجویی که انجام شد، اطلاعات نادری از مرحوم خانابا مشار به دست آمد. او از کتابی به نام ایضاح المشکلات یاد کرده که متعلق به عبدالعلی سدیدالسلطنه مستوفی نوری است. این اثر همان طور که مدرس نوشته، درباره «کتب سماوی» است. خوشبختانه نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه مرحوم آیت‌الله بروجردی هست که با



همکاری کتابخانه در اختیار نگارنده قرار گرفت. روی کتاب نوشته شده است «چاپ اول، حق طبع محفوظ و مخصوص مؤلف است، فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۴۵ هجری». این در حالی است که وقتی عبدالعلی نسخه‌ای از کتابش را به مرحوم مدرس داده و مدرس هم نامه نوشته، در تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۴۳ بوده است.

تفاوت این دو تاریخ به این دلیل است که وی یک نسخه دست نویس نزد مدرس برده و کتاب بعدها در سال ۱۳۴۵ق و حتی بعد از آن منتشر شده است. نویسنده در پایان کتاب می‌گوید:  
در سال ۱۳۴۶ هجری نبوی نسخه کتاب ایضاح المشکلات را برای اینکه با مرکب چاپ نوشته شود و به طبع برسانم، پیش ... آقا سید مرتضی خوشنویس برغانی بردیم.

به هر روی متن کتاب تا صفحه ۲۳۳ تمام شده و کتابچه‌ای دیگر حاوی اشعار و سروده‌های میرزا یوسف خان وثوق‌الوزاره در پایان آن (ص ۲۳۴-۲۶۸) آمده است که البته ارتباطی با اصل کتاب ندارد، اما به دلیل کمکی که این یوسف خان برای نشر کتاب به مؤلف کرده، دیوانچه اشعارش در پایان این کتاب آمده است.

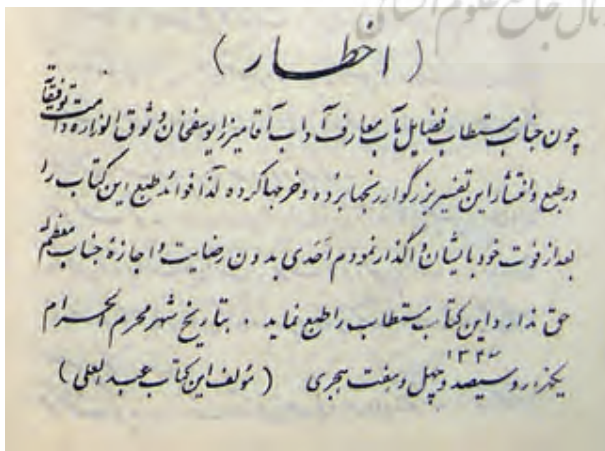
سدید السلطنه نوشته است:

چون جناب مستطاب فضایل مآب معارف آداب آقا میرزا یوسف خان وثوق‌الوزاره. دامت توفیقاته. در طبع و انتشار این تفسیر بزرگوار رنجها برده و خرجها کرده‌اند، لذا فواید طبع این کتاب را بعد از فوت خود به ایشان واگذار نمودم. احدی بدون رضایت و اجازه جناب معظم له حق ندارد این کتاب مستطاب را طبع نماید. به تاریخ شهر محرم الحرام یک هزار و سیصد و چهل و هفت. مؤلف این کتاب عبدالعلی. (ایضاح المشکلات، ص ۲۲۸)

متن کتاب توسط «مرتضی الحسینی البرغانی» خطاطی شده و در پایان آن آمده است: «در مطبعه

علمی طبع گردید، محرم الحرام ۱۳۴۷ هجری». (ایضاح المشکلات، ص ۲۶۷) پس تاریخ اصلی نشر این است.

عبدالعلی خان سدید السلطنه در خاتمه کتاب یک کرامت هم برای کتاب خود از زبان خطاط کتاب نقل کرده و آن اینکه وقتی کتاب را برای کتابت [نوشتن آن با مرکب چاپ] نزد مرتضی برغانی می‌برد، او می‌گوید:



در چند سال قبل خوابی دیدم و در انتظار تعبیرش بودم. امروز تعبیرش مکشوف شد. پرسیدیم آن رؤیا چگونه بوده که تعبیرش امروز از دیدن این کتاب کشف گردید؟ گفتند: در خواب دیدم که سطری با قلم خیلی درشت مابین زمین و آسمان نوشته‌ام که مانند ستارگان درخشان است. بر آن شدم که سطر دیگر در زیر آن بنویسم. دستم دراز شد و هر چه خواستم قلم را در زیر آن سطر به محلی بگذارم، دیدم به جایی قلم نمی‌ایستد و قرار نمی‌گیرد. در آن حال تفکر که آن سطر را چگونه نوشتم و کلمات را به روی چه چیز قرار داده‌ام، از خواب بیدار شدم. دانستم باید از دست من کتابی نوشته شود که مطالبش تابنده و درخشنده و در مقام افاده و افاضه فرد بلاثانی و مزید بصیرت عالی و دانی باشد. در این مدت هر کس کتابی برای تحریر پیش من می‌آورد، این خواب بخاطر من می‌آمد و دقت می‌کردم که شاید موقع بروز و ظهور تعبیر خواب من فرارسیده باشد و تا امروز شاهد مقصود و مخفی و مستور بود و جلوه نمی‌نمود و اکنون که این کتاب را می‌بینم و مطالب آن را درست می‌سنجم و تأمل می‌نمایم، یقین دارم که تعبیر خواب من نگارش این کتاب مستطاب است. و الله اعلم بحقائق الامور. (ایضاح المشکلات، ص ۲۳۲-۲۳۳)

دو نفر برای این کتاب تقریظ نوشته‌اند که در نوع خود جالب است. یکی سید محمد موسوی بهبهانی فرزند سید عبدالله بهبهانی و دیگری مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی. بهبهانی با اشاره به کتابی که عبدالعلی خان مستوفی نوری نوشته گفته است:

در این اوان که زمان ضعف اسلام و قوت صوری دشمنان است، بتوفیق الله و حسن تأییده کمر همت بر میان بسته و زحمتی فوق‌المتعارف کشیده و خدمتی به عالم اسلامیت و مسلمانان نموده، کتاب ایضاح المشکلات را در تفسیر کلمات آسمانی جمع و تألیف نموده. الاحقر محمد الموسوی البهبهانی.

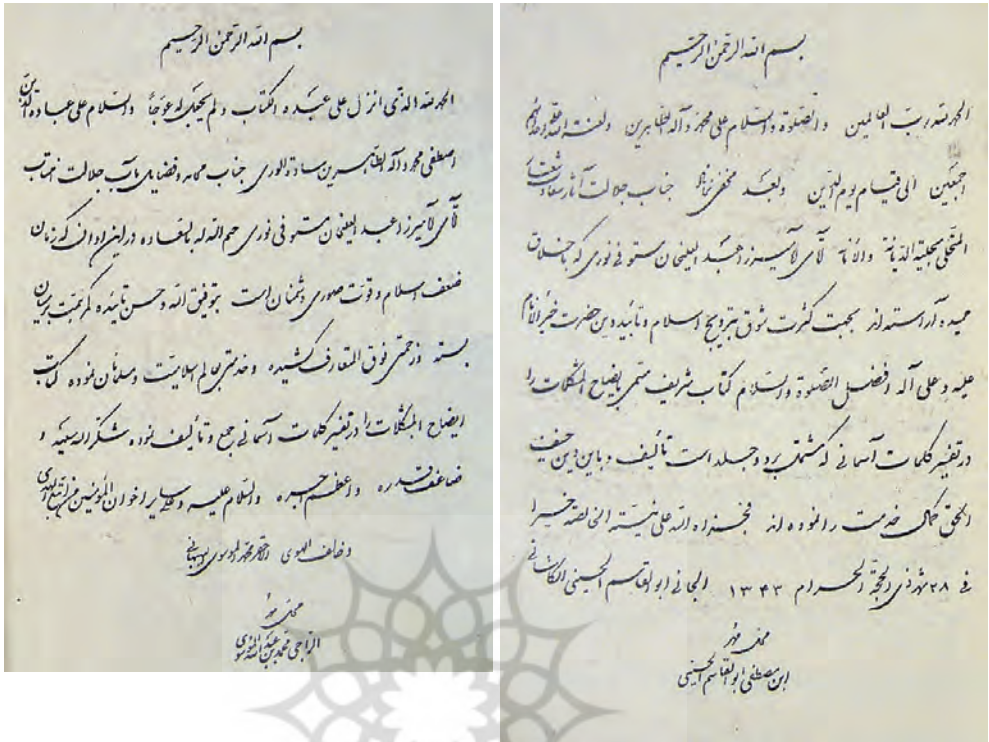
ابوالقاسم بن مصطفی کاشانی هم درباره کتابی که «جناب جلالت آثار سعادت شعار ... آقا میرزا عبدالعلی خان مستوفی نوری که به اخلاق حمیده آراسته‌اند» می‌نویسد:

به جهت کثرت شوق به ترویج اسلام و تأیید دین حضرت خیر الانام (ص) کتاب شریف مسمی به ایضاح المشکلات را در تفسیر کلمات آسمانی که مشتمل بر دو جلد است تألیف دین حنیف، الحق کمال خدمت را نموده‌اند. فی ۲۸ شهر ذی حجة الحرام ۱۳۴۳ الجانی ابوالقاسم الحسینی الکاشانی. محل مهر.

## موضوع کتاب

آنچه از اشاره نویسنده و نیز مقدمه‌ای که یوسف وثوق‌الوزاره متخلص به وثوقی ابن علی اکبر تفرشی بر آن نوشته به دست می‌آید، این است که این اثر شرحی است به برخی از اشاراتی که در





تورات و انجیل آمده و به تصور نویسنده، این مطالب به نوعی درباره بعثت رسول و وقایع رخ داده در صدر اسلام درباره کربلا و امامان است. به عبارت دیگر کتاب مزبور شرحی بر تورات و انجیل و بازنمایی حوادث تاریخ اسلام در آن است. این یوسف وثوق الوزاره که هزینه چاپ کتاب را هم داده و چنانکه بالا گفتیم، در یک مقدمه مفصل بر کتاب این معنا را شرح داده و آن را اقدامی کم مانند که از «صدر اسلام تا این ایام، احدی از فضلا و فقها و دانشمندان بخیال نیفتاده» وصف کرده است. به گفته وی تلاش عبدالعلی خان نوری این بوده است که «حقایق عبارات و دقایق اشارات کتاب آسمانی تورات و انجیل را که همه راجع به وقایع اسلام است، با دلایل و برهان برشته تفسیر کشد و در روزگار جهت استفاضه عموم به یادگار گذارد و اگر فرضاً تصورش را کرده، فرض محال دانسته، اقدام چنین امر خطیر و انجام این نفع کثیر را مقدور و میسر خود ندیده، والا تا به حال این راه نیکنامی را می پیمود و این گوی سعادت را می ربود و کتب آسمانی انبیای سالفه را که تمام مبنی بر ظهور بعثت حضرت خاتم النبیین و وقایع آن زمان حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا خصوصاً واقعه طف و حضرت سیدالشهداء حسین - علیه السلام - و غیبت و ظهور امام عصر محمد بن الحسن العسکری - صلوات الله علیهم اجمعین - می باشد، تفسیر می نمود تا اینکه در این عصر که از هر طرف معاندین دین اسلام به رنگ های مختلف پنهان و آشکار به وسیله تألیف و جریده نگاری و به بهانه مساعدت و یاری، مسلمین را به طرف خویش تحجیب و از شرع و شریعت تحریف و به جانب خود

تبلیغ می‌نمایند، شعاع انوار لم یزلی در آینه ضمیر جناب مستطاب فضائل و معارف آداب آقای آقا میرزا عبدالعلی خان مستوفی ابن مرحوم میرزا محمدخان نوری تجلی فرموده، اولاً ابتکار این کار، ثانیاً کشف اسرار تنزیل و حقایق تورات و انجیل ریاضتی فوق‌العاده دیده و به تأیید الهیه و الهامات غیبیه مفسر آن کتب گردید، سمند پرده‌گشایی در میدان تاخته، کتاب ایضاح المشکلات را در تفسیر تورات و انجیل بزبور تألیف کشیده، سکه مباهات ابدی را به مشیت الهی به نام خود زد و در این زمان که علم و دانش به سرحد کمال رسیده و عقول ابناء روزگار به ادراک مطالب عالیه آماده گشته، تفسیر مسطور مطبوع خاطر جمعی از اهل فضل و دانش خاصه سلسله جلیله علمای اعلام و روحانیون کرام. کثر الله امثالهم. گردیده، دست بدست برای استفاده می‌بردند. در این ضمن معاندین دین و منافقین حضرت ختم‌المرسلین از کتاب مستطاب اطلاع یافته بودند، جناب مؤلف و علاقه‌مندان به کتاب مذکور از هر کس و هر جا جستجو کردند، اثری نیافتند، خسوف این بدر تمام سبب تأسف و تحسّر جمعی از فضلا و دانشمندان انام گردیده، زحمات مؤلف به باد غارت و خاطر کثیری مخصوصاً بنده حقیر حی قدیر را به اندوه و غم بیالود».

تا اینجا حکایت گم‌شدن نسخه اصلی این کتاب است که به دست هم نیامده و از نظر یوسف خان وثوق‌الوزاره اثر یادشده توسط دشمنان سرقت شده است. وی از تألیف مجدد این کتاب توسط نویسنده چنین یاد می‌کند:

چون جمعی از فضلا و فقها و علاقه‌مندان بدین مبین اسلام و حافظین شریعت غزای احمدی و نگاهبانان دین هویدای محمدی (ص) خصوصاً طبقه محترمه اهل علم و مروجین دین حنیف اسلام آن گوهر گران‌مایه را مایه نفع عام و مروج شریعت اسلام می‌دانستند، از جناب مؤلف جداً اصرار و تقاضا فرمودند که مجدداً با مدد توفیق الهی کتابی به این سیاق تفسیر و تألیف نماید. معظم له نیز امتثالاً للاحقر مشغول و ثانیاً این کتاب حاضر را که مشتمل بر دو جلد و کوچک‌تر از کتاب اول است، با صرف عمر زیاد و خسارتی بسیار تألیف فرموده خدا و روسل را از خود خشنود و عالم اسلام را شاد و ممنون نمودند. جای آن است که این بنده حقیر عرض کند:

حق تو در اسلام بود بر همه معظم چون پرده برانداختی از چهره مبهم

می‌ماند نهان تا به ابد این همه برهان گر می‌نشد از جانب حق قلب تو ملهم

اگرچه این خدمت در اثر سعی و زحمت مؤلف انجام شده و روح پاکش را باید به رحمت شاد نمود، لکن بر عموم مسلمین و علاقه‌مندان دین مبین لازم است که هنگام مطالعه کتاب مذکور، طلب رحمت برای کسانی که محرک و مهیج جناب مؤلف به تألیف کتاب ثانی گردیدند، بنمایند که اگر تحریک و ترغیب آنان سبب نمی‌شد، هر آینه این گنج کثیرالمنفع کما فی السابق در بطون کتب انبیای



سالفه پنهان بود؛ عموم مسلمانان و فضلا از فیض مطالعه آن محروم و از درک یقین و استحکام دین مبین اسلام بی بهره می ماندند.

تا اینجا دانستیم که کتابی که ابتدا تألیف شده بوده، مفقود شده و مؤلف با اصرار تعدادی از علما دوباره آن را تألیف کرده است. وثوق الوزراه در ادامه از چاپ کتاب سخن می گوید و اینکه نگران بودند که بار دیگر نسخه اصل کتاب مفقود شود:

این نکته را نیز نگفته نگذارم و از نظر مطالعه کنندگان کتاب مستور ندارم که پس از اتمام این کتاب مستطاب، جمعی از مسلمین و دوستان دین و بنده حقیر، به توهم این که شاید ثانیاً معاندین دین کمین نموده، این گوهر گرانها را دیگر باره به لطایف الحیل برابیند و صاحبان فضل و دانش را از فیوضات این تفسیر بزرگوار بی بهره گذارند، در طبع و نشر آن ساعی و جاهد بودیم تا این که بحمد الله و المنه، به مشیت و تأیید الهی حقیر نگارنده یوسف وثوق الوزراه افضلی توفیق سعادت یافته، پس از زحمات بسیار مشکلات مرتفع و موجبات طبع آن را فراهم کرده به سعادت و توفیق طبع و انتشار کتاب مستطاب موفق و مسعود گردیدم و چون بعضی از برادران ایمانی با نیت پاک، مؤلف و نگارنده را در تألیف و طبع و نشر این تفسیر ترغیب و تشویق می فرمودند، امید است ان شاء الله مطالعه کنندگان از مسلمین، روح مؤلف و ایشان و این بنده حقیر را به رحمت یاد و مخصوصاً به سه صلوات بر محمد و آل محمد شاد فرمایند:

علیکم بتفسیر عبدالعلی فانه لا رشاد اهل الحق خیر دلیل

و السلام علی من اتبع الهدی (ایضاح المشکلات). (ص ۸-۱۱)